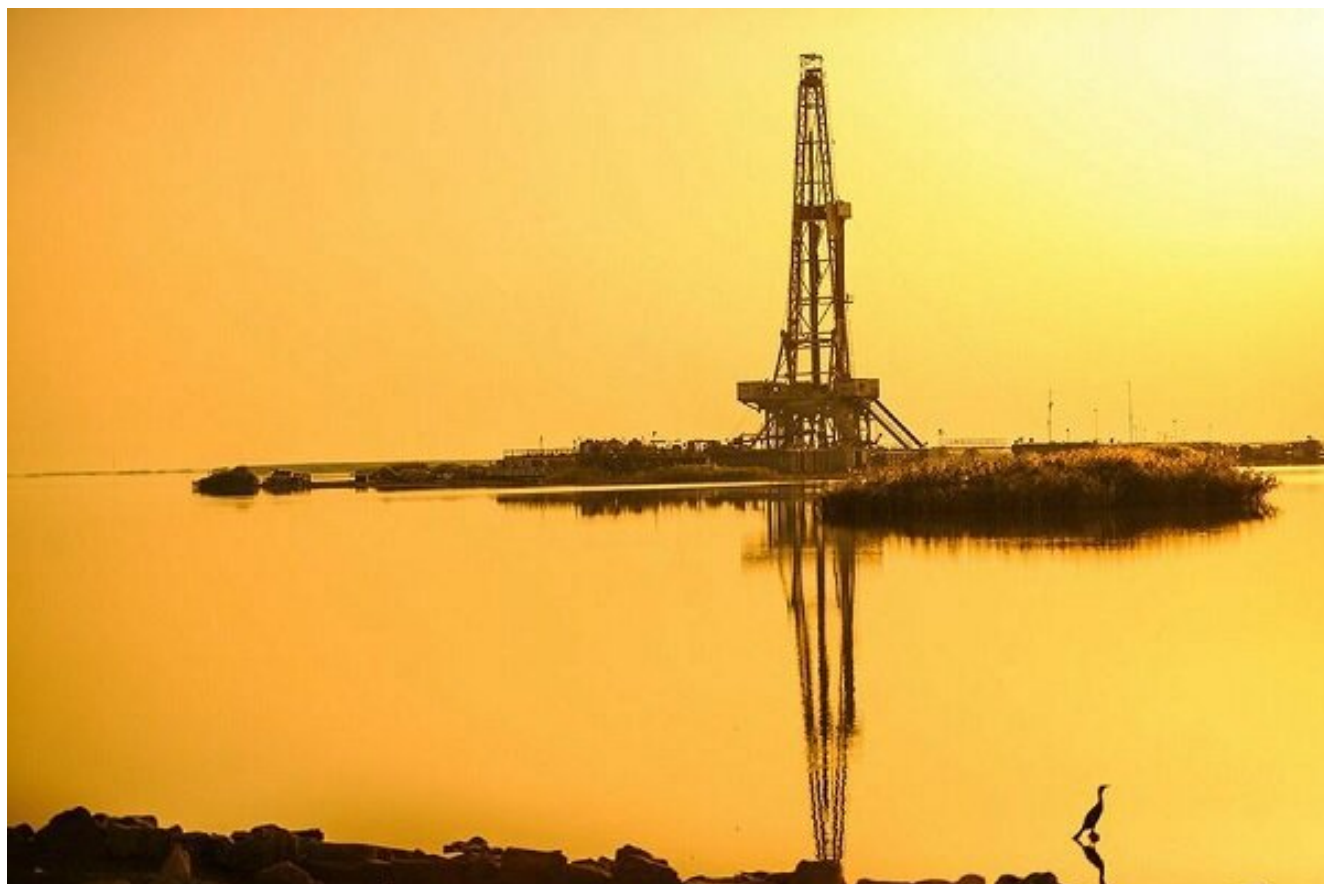


توسعه آزادگان نیازمند همکاری بانکها؛ چرا بانکها پاس کشیدند



توسعه آزادگان امروز در نقطه‌ای قرار دارد که سرنوشت آن تنها به تولید نفت گره نخورده؛ بلکه به اعتماد سرمایه‌گذاران، تصمیم بانکها و موقعیت ایران در رقابت منطقه‌ای وابسته شده است.

به گزارش مشعل نیوز، میدان نفتی آزادگان در جغرافیای انرژی ایران، فقط یک میدان نفتی بزرگ نیست؛ بلکه به مرور زمان به یک «معیار سنجش» تبدیل شده است. معیاری برای سنجش توان تصمیم‌گیری، قدرت تأمین مالی، ثبات سیاست‌گذاری و اراده ملی برای پیشبرد پروژه‌های بزرگ. به همین دلیل است که هر نشانه‌ای از کندی، توقف یا شکست در این میدان، واکنشی فراتر از صنعت نفت برمی‌انگیزد. چراکه

هزینه شکست آزادگان، محدود به کاهش تولید یا از دست رفتن بخشی از درآمدهای نفتی نیست؛ این شکست می‌تواند به یک پیام مخرب برای کل اقتصاد ایران تبدیل شود.

در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری به پروژه‌های پیشران رشد اقتصادی نیاز دارد، آزادگان یکی از معدود پروژه‌هایی است که ظرفیت ایفای چنین نقشی را دارد. اما همین انتظار بالا، ریسک شکست آن را نیز پرهزینه‌تر کرده است.

آزادگان؛ پروژه‌ای فراتر از مختصات فنی

میدان آزادگان از ابتدا با برجسب «مشترک» وارد ادبیات انرژی ایران شد. همین صفت کافی بود تا توسعه آن به موضوعی راهبردی تبدیل شود. در میادین مشترک، زمان حکم سرمایه را دارد و هر تأخیر به معنای انتقال منافع به طرف مقابل است. اما آزادگان علاوه بر این بُعد کلاسیک، یک نقش ثانویه نیز پیدا کرده است: نقش نمادین.

آزادگان نماد توان کشور در مدیریت پروژه‌های پیچیده بالادستی است؛ پروژه‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری کلان، تأمین مالی پایدار، فناوری و هماهنگی نهادی هستند. اگر چنین پروژه‌ای با این سطح از اهمیت، به بن‌بست بخورد، این پیام در ذهن فعالان اقتصادی حک می‌شود که پروژه‌های بزرگ، حتی با اولویت ملی، ضمانت موفقیت ندارند.

نخستین و شاید فوری‌ترین پیامد عدم ورود بانک‌ها برای تأمین مالی میدان آزادگان، ضربه به اعتماد سرمایه‌گذاری داخلی است. در سال‌هایی که دسترسی به سرمایه خارجی محدود بوده، بار اصلی توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های انرژی بر دوش منابع داخلی افتاده است. اما سرمایه داخلی، بیش از سرمایه خارجی به «روایت موفقیت» حساس است.

سرمایه‌گذار داخلی وقتی می‌بیند پروژه‌ای مانند آزادگان، با همه تأکیدات سیاسی، مشوق‌های رسمی و اهمیت راهبردی، در مسیر توسعه دچار وقفه‌های طولانی می‌شود، این ریسک را به سایر پروژه‌ها نیز تعمیم می‌دهد. نتیجه چنین برداشتی، نه ورود محتاطانه، بلکه عقب‌نشینی تدریجی از پروژه‌های بزرگ و حرکت سرمایه به سمت فعالیتهای کم‌ریسک‌تر یا حتی غیرمولد است.

در این معنا، کم‌کاری بانک‌ها به نوعی شکست «ذهنی» برای سرمایه‌گذاری مولد خواهد بود.

حلقه مفقوده؛ چرا بانکها وارد آزادگان نشدند؟

یکی از مهم‌ترین و کمتر گفته‌شده‌ترین ابعاد توسعه آزادگان، عدم مشارکت مؤثر شبکه بانکی در تأمین مالی این پروژه است. در حالی که در بسیاری از کشورها، پروژه‌های عظیم انرژی با کنسرسیوم‌های بانکی و ابزارهای متنوع مالی پیش می‌روند، آزادگان عملاً از حمایت جدی بانکها محروم مانده است.

بانکها، به‌طور سنتی، پروژه‌هایی را تأمین مالی می‌کنند که افق بازگشت سرمایه، ساختار حقوقی شفاف و ثبات تصمیم‌گیری داشته باشند. اما آزادگان طی سالها با تغییر مدلها، پیمانکاران و رویکردهای سیاستی مواجه بوده است. همین بی‌ثباتی، ریسک ادراک‌شده پروژه را برای نظام بانکی افزایش داده و بانکها را به حاشیه رانده است.

نتیجه این وضعیت، انتقال بار تأمین مالی به منابع محدود شرکت ملی نفت یا سازوکارهای غیرپایدار بوده است؛ راه‌حلی که برای پروژه‌ای با مقیاس آزادگان، نه کافی بوده و نه پایدار.

تأمین مالی نشدن آزادگان توسط بانکها، فقط یک مسئله درون‌پروژه‌ای نیست. این مسئله، یک اثر سرریز خطرناک دارد. وقتی بانکها از ورود به چنین پروژه‌ای خودداری می‌کنند، عملاً به سایر پروژه‌های بزرگ نیز یک سیگنال واحد می‌دهند: پروژه‌های بالادستی انرژی، از منظر بانکی، پرریسک تلقی می‌شوند.

چنین سیگنالی، باعث می‌شود سایر میادین مشترک و پروژه‌های توسعه‌ای نیز با مشکل تأمین مالی مواجه شوند. این همان نقطه‌ای است که «قفل شدن پروژه‌ها» رخ می‌دهد؛ نه به دلیل نبود ذخایر یا توان فنی، بلکه به دلیل نبود منابع مالی و اعتماد نهادی.

تولید از میدان نفتی آزادگان اگر به هدف تعیین شده نرسد به الگویی منفی برای توسعه سایر میادین مشترک تبدیل خواهد شد. سیاست‌گذار، تحت فشار شکست، ناگزیر محافظه‌کارتر می‌شود. تصمیم‌ها به تعویق می‌افتد و تغییر مدلها جای پیشروی را می‌گیرد. در این فضا، توسعه میادین مشترک عملاً کند یا متوقف می‌شود.

در میادین مشترک، این توقف برابر است با واگذاری عملی منابع. طرف مقابل، بدون توقف، سرمایه‌گذاری می‌کند، برداشت را افزایش می‌دهد و سهم بیشتری از مخزن را تثبیت می‌کند. این فرآیند تدریجی است، اما

بازگشت نا پذیر.

تقویت رقبای منطقه‌ای؛ برنده خاموش یک کم کاری

در سناریوی شکست تأمین مالی آزادگان، رقبای منطقه‌ای بدون هیاهو برنده خواهند بود. این میدان، بخشی از رقابت بزرگ‌تر در بازار انرژی منطقه است. هر ضعف در توسعه، موقعیت ایران را در این رقابت تضعیف می‌کند.

کشورهایی که توانسته‌اند با ثبات مالی و حمایت بانکی پروژه‌های خود را پیش ببرند، امروز در بازار انرژی نقش پررنگ‌تری دارند. اگر تأمین آزادگان شکست بخورد، سهم ایران از این بازار نه با تحریم، بلکه با تعلل داخلی کاهش خواهد یافت.

آزادگان سال‌هاست در افکار عمومی به‌عنوان یک پروژه مهم مطرح شده است. شکست یا توقف آن، به تضعیف روایت «توان ملی در اجرای پروژه‌های بزرگ» منجر خواهد شد. این آسیب، فراتر از وزارت نفت یا یک دولت خاص، متوجه کل نظام تصمیم‌گیری خواهد بود.

اقتصاد، بیش از سرمایه و فناوری، به اعتماد و امید نیاز دارد. شکست آزادگان می‌تواند این دو مؤلفه را تضعیف کند.

با همه این تفاسیل، آزادگان هنوز به نقطه بدون بازگشت نرسیده است. اما عبور از این وضعیت، بدون حل مسئله تأمین مالی و بدون ورود جدی شبکه بانکی امکان‌پذیر نخواهد بود. آزادگان نیازمند بازتعریف به‌عنوان یک «پروژه ملی قابل تأمین مالی» است؛ پروژه‌ای که بانک‌ها بتوانند به آن اعتماد کنند.

شکست آزادگان، هزینه‌ای فراتر از یک میدان نفتی خواهد داشت. اما موفقیت آن نیز می‌تواند نقطه عطفی برای بازگشت اعتماد به پروژه‌های بزرگ، فعال شدن منابع بانکی و احیای نقش ایران در میادین مشترک باشد. تصمیم با سیاست‌گذار است؛ تأخیر، خود پرهزینه‌ترین انتخاب است.